

بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت‌های بین‌المللی جوانان ۱۸ - ۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان

علی اصغر مقدس، زکيه شرفی

(تاریخ دریافت ۸۷/۸/۲۹، تاریخ پذیرش ۸۸/۱۰/۳۰)

چکیده: جریان مهاجرت‌های بین‌المللی به دلایل مختلفی مثل فروریختن مواضع سیاسی در امر جابه‌جایی، توسعه سیستم‌های ارتباطی، ارزان‌تر شدن هزینه‌های حمل‌ونقل، نابرابری در سطح دستمزدها در کشورهای مختلف و نیاز به نیروی کار و... براساس آمار و اطلاعات دقیق در حال افزایش است. مطالعه حاضر با استفاده از نظریه‌های جاذبه و دافعه لی و جهانی شدن به بررسی عوامل برانگیزنده مهاجرت ۷۷۰ نفر از جوانان ۱۸ - ۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان پرداخته است. نتایج پژوهش نشان داد که گرایش به مهاجرت در بین جوانان ایران مانند سایر کشورهای جهان رواج یافته است، به طوری که تنها ۹ درصد از افراد نمونه گرایش به مهاجرت نداشته‌اند. نتیجه بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، حاکی از آن است که گرایش به مهاجرت در بین پاسخگویان مرد، مجرد، درآمد پایین، تحصیلات لیسانس، سن ۲۲ - ۲۵ و افراد ساکن در شیراز بیش از گروه‌های مقابل آن‌هاست و از بین عوامل زمینه‌ساز گرایش به مهاجرت؛ نگرش (منفی) افراد نسبت به اوضاع اجتماعی-فرهنگی و آموزشی، اقتصادی و سیاسی کشور، به ترتیب بیشترین تأثیر را داشته‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در جامعه‌ای مثل ایران، عوامل اجتماعی-فرهنگی و آموزشی مانند عوامل اقتصادی و شاید بیشتر بر تمایلات و انگیزه‌های افراد نفوذ دارند.

مفاهیم کلیدی: گرایش، مهاجرت‌های بین‌المللی، جوانان، گرایش به مهاجرت.

مقدمه

شکل‌گیری مهاجرت به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی کلان ذهن و اندیشه بسیاری از صاحب‌نظران را به خود معطوف نموده است. جابه‌جا شدن انسان‌ها برای ارتقای کمی و کیفی زندگی، ابعاد تازه‌ای به خود گرفته و این تحرکات به عنوان یک موضوع مهم اجتماعی مطرح گردیده است. از این‌رو بررسی مهاجرت به عنوان یک پژوهش جدی بین‌رشته‌ای، میان جمعیت‌شناسی و دیگر حیطه‌های علمی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد مطرح شده است. امروزه مهاجرت‌ها با انگیزه زیستی و بیولوژیکی انجام نمی‌شوند بلکه مهاجرت در جهان امروزه پدیده‌ای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است (میرزایی، ۱۳۷۲).

بیان مسئله

در طرح مسئله مهاجرت لازم است به چند نکته توجه شود: ۱. مهاجرت یک موضوع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین باید در بررسی این پدیده به سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی - آموزشی و سیاسی نظام توجه کرد. ۲. مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان حاصل اقتصاد بازار آزاد و ایجاد نوعی بازار بین‌المللی برای دستیابی به مهارت‌های تخصصی است. ۳. بررسی پدیده مهاجرت غیر از دلایل درونی کشور به مسایل خاص کشورهای مقصد نیز ارتباط دارد. ۴. مهاجرت برای کشور و دولت مبدأ همواره و از همه جهات، مسئله‌آفرین نیست؛ زیرا در حالی که مشکل کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص و تقلیل سرمایه انسانی را پیش می‌آورد ولی از مشکلات جمعیتی اشتغال و نیز بحران‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مبدأ می‌کاهد (شهبازی، ۱۳۸۶: ۶-۱۲). از نظر تاریخی، مهاجرت به عنوان یک جزء دیرپا در تمدن بشر در غنی‌تر ساختن جوامع و سودرسانی به اقتصاد کشورهای مبدأ و مقصد نقش داشته است. چنین تخمین زده می‌شود که در سال‌های آغازین سده بیست و یکم، حدود ۱۹۱ میلیون نفر در خارج از کشور محل تولد خود زندگی می‌کنند که این تعداد بیش از ۳ درصد از جمعیت جهان را به خود اختصاص داده است. مهاجرت بین‌المللی به صورت یکی از شاخص‌های تعریف‌کننده جهان معاصر درآمده است که بر تعامل میان مردم، جوامع و بازارها تأثیر می‌گذارد. آنچه مهاجرت امروز را متفاوت می‌کند، پویایی، جابه‌جایی‌های مهاجرتی و در نتیجه آن تأثیر مهاجرت است که تفاوت فاحش کرده است. تعداد افرادی که تغییر مکان می‌دهند، امروزه بسیار افزایش یافته است به طوری که حدود یک نفر از هر ۳۵ نفر در جهان، مهاجر است (Report IOM, 2005).

مهاجر کیست و مهاجرت چیست؟

در پاسخ باید گفت که در ادبیات مربوط به مطالعات مهاجرت، تعریفی جامع و مانع از مهاجر وجود ندارد. علت فقدان یک تعریف کاملاً عملیاتی این است که چون مهاجر، از متن‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مختلفی بر می‌خیزد، پژوهشگران را با متغیرهای متنوعی روبه‌رو می‌سازد که این به نوبه خود دستیابی به تعریف را با چالش مواجه می‌سازد. براساس تعریف سازمان ملل، بنا به دلایل آماری، مهاجر کسی است که به کشوری غیر از کشورهایی که تابعیت آن را دارا می‌باشد وارد شده و حداقل ۱۲ ماه در آن اقامت می‌گزیند (UN, 1998: 4-5). همچنین براساس نظریه اورت لی، مهاجرت عبارت است از «تغییر دائمی یا نیمه دائمی مسکن، بدون هیچ محدودیتی در مورد فاصله حرکت و ماهیت اختیاری یا اجباری مهاجرت، همچنین بدون هیچ‌گونه تمایزی بین مهاجرت داخلی یا خارجی» (زنجانی، ۱۳۸۰). رولان پرسا مهاجرت را حرکات افراد یا گروه‌ها می‌داند که تغییر دایمی یا طولانی محل اقامت معمولی فرد را به دنبال دارد (همان) و دونالد جی - بوگ، مهاجرت را پاسخ ارگانیکسم انسانی به نیروهای اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی در محیط تعریف می‌کند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۵).

وضعیت مهاجرت بین‌المللی در عصر حاضر

الف: براساس آمار سال ۲۰۰۵، از هر ۱۰ نفر مهاجر بین‌المللی ۶ نفر در کشورهای توسعه یافته زندگی می‌کنند. ب: طبق آمار تخمین زده شده، تعداد مهاجرین در سال ۲۰۵۰ از مرز ۲۵۰ میلیون نفر خواهد گذشت. ج: پیرو جهانی شدن و تحولات بین‌المللی نظام‌های سیاسی، جابه‌جایی‌های مهاجرتی نیز دستخوش دگرگونی قرار گرفته است. ر: طبق مطالعات جدید چنانچه کشورهای توسعه یافته تنها یک سهمیه ۳ درصدی برای نیروی کار مهاجر، منظور کنند رشد سالانه دارایی‌های جهانی بین ۵۰ الی ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد شد (Shahidul haq, 2006).

سه موج مهاجرت‌های بین‌المللی در ایران

مهاجرت به خارج از ایران را می‌توان از سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۰) به سه موج اصلی که با موقعیت اقتصادی و اجتماعی و انگیزه‌هایی برای مهاجرت در ارتباط بود سازماندهی کرد. اولین موج مهاجرت با بهبود یافتن شرایط اقتصادی تدریجی ایران و شروع استخراج نفت بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شد. درآمد حاصل از صادرات نفت، تغییر ناگهانی در جامعه ایران از سنتی به

مدرن را اجازه داد و شاهد تحرک خانواده طبقه میانی و بالا برای فرستادن فرزندان‌شان به خارج جهت کسب تحصیلات و دسترسی به امنیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، در این دوره بسیار دیده می‌شد. موج دوم، در اوایل انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و عناصر لیبرال و سوسیالیست اولین گروه‌هایی بودند که جهت فرار از محدودیت‌های جنسیتی، خدمت نظام وظیفه و فشارهای جنگ ایران و عراق؛ کشور را ترک کردند. همچنین افزایش مهاجرت افراد با تحصیلات عالی و مهارت بالا در اثر انقلاب فرهنگی را در این دوره شاهدیم (Hakimzadeh, 2006: 22).

پدیده مهاجرت متخصصان، که از سال‌های ۱۳۳۰ شمسی در ایران شکل گرفته بود، با آغاز انقلاب اسلامی در اواخر دهه ۱۳۵۰ تا ربع سوم دهه ۱۳۶۰ مهاجرت متخصصان به خارج از کشور در سه مرحله و تحت شرایط و اوضاع و احوال متفاوتی شکل گرفته است. مرحله اول: در آستانه انقلاب؛ یعنی ماه‌های پیش از بهمن ۱۳۵۷ که قشر وسیعی از متخصصان شاغل در نهادهای دولتی، اغلب در گروه نسبی بالا و با تجربه مطالعاتی از انقلاب‌های دنیا، آسان و سریع جذب جامعه میزبان و مشغول کار شدند. مرحله دوم: که از بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد و طی آن گروه‌های متعدد بر اثر عوامل و انگیزه‌های متفاوت و در مقاطع زمانی مختلف مهاجرت کردند. در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب به خاطر بروز ناآرامی‌ها و ناامنی‌های خیابانی، گروهی از ترس و وحشت، شتاب‌زده و بدون برنامه‌ریزی قبلی ایران را ترک کردند. این گروه، در واقع نشر دیگری از همان گروه اول بودند که روزهای پس از انقلاب را نتوانستند به درستی درک و پیش‌بینی کنند. در همین مرحله گروه سوم وجود دارند که حاصل دوران اولیه انقلاب از دانشگاه‌ها و مؤسسات و ادارات دولتی هستند. در این مرحله، دو عامل موجب شدت گرفتن مهاجرت متخصصان به خارج شد. عامل اول، بسته شدن دانشگاه‌ها و در فاصله کوتاهی از آن، عامل دوم که آغاز جنگ تحمیلی است. عامل اول موجب شد تا متخصصان جوانی که در اوایل انقلاب با اشتیاق به ایران برگشته بودند و هرکدام در دانشگاه یا مؤسسه‌ای مشغول به کار شده بودند، چون هنوز به‌طور پیمانی یا ساعتی به تدریس اشتغال داشتند و به استخدام رسمی در نیامده بودند، با بسته شدن دانشگاه‌ها به کشور محل تحصیل خود بازگردند تا چه بسا با یافتن شغل، جذب جامعه میزبان شوند. عامل دوم جنگ تحمیلی؛ به تدریج و در بلند مدت موجب مهاجرت اقشار مختلف، از جمله متخصصان به‌ویژه پزشکان شد که مجبور بودند مدتی را در جبهه بگذرانند. در این دوره حتی متخصصان بالقوه یعنی جوانانی که به سن خدمت نظام وظیفه رسیده بودند برای گریز از آن به طرق مختلف از کشور خارج شدند و در کشورهای اروپایی به تحصیل پرداختند و موفق به کسب تخصص شدند (نراقی، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۵).

مهاجرت در این دوران را می‌توان به سه منطقه تقسیم کرد. اروپا، آمریکا و کشورهای خلیج

فارس؛ و علت اصلی مهاجرت‌ها دو دلیل بود: ۱. جهت ادامه تحصیل ۲. جهت یافتن شغل (Lahsaizadeh, 2002: 67-70). بالأخره موج سوم که بیش از ۱۰ سال گذشته را شامل می‌شود. یعنی از ۱۳۷۵ (۱۹۹۵) تا کنون. این موج جمعیت بسیار متفاوتی را در بر می‌گیرد؛ افراد با مهارت بالا، مهاجرت طبقه کارگر و پناهندگان سیاسی و اقتصادی با سطوح تحصیلاتی پایین‌تر و مهارت‌های کمتر از مهاجران قبلی (Hakimzadeh, 2006: 23). براساس مطالعات انجام گرفته توسط صندوق بین‌المللی پول، در بین ۶۱ کشور در حال توسعه، ایران بیشترین درصد مهاجرت افراد با تحصیلات عالی را دارد. سایر آمارها هم مهاجرت رو به رشد ایرانیان تحصیل کرده به خارج از کشور در دو دوره ۱۹۷۳-۱۹۹۳ را نشان می‌دهد، به گونه‌ای که در این دوره به‌طور میانگین هر سال نزدیک به دوازده هزار نفر نیروی کارشناس از ایران به دیگر کشورها مهاجرت کرده‌اند (حسینی نژاد و کافی، ۱۳۸۲؛ رونقی، ۱۳۷۵؛ دهقان، ۱۳۸۲. به نقل از صالحی عمران، ۱۳۸۴: ۵۷). در عصر حاضر به دلیل جهانی شدن و تحولات بین‌المللی نظام‌های سیاسی، جابه‌جایی‌های مهاجرتی دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شده است. ایران هم مانند کشورهای دیگر در این زمینه تغییرات چشمگیری دیده است. امروزه ایران دارای یکی از بالاترین میزان‌های برون‌کوچی و درون‌کوچی و رشد شهرنشینی در جهان می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در یک مقایسه بین‌المللی، در منطقه آسیا و اقیانوسیه با ۱۶ درصد مهاجرت متخصصان دارای دومین رتبه به لحاظ میزان مهاجرت نیروی انسانی متخصص به مقصد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) است (محمدی الموتی، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

با توجه به مراتب یاد شده این مسئله مطرح می‌شود که - میزان تمایل به مهاجرت‌های بین‌المللی جوانان چقدر است؟ - علل و انگیزه‌های مؤثر بر مهاجرت جوانان کدامند؟ و کدام عامل بر انگیزه آن‌ها بیشترین تأثیر را داراست؟

پیشینه پژوهش

جوهری و سراج‌زاده (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور» یک نمونه ۱۵۲۲ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های ایران و با روش تحلیل ثانویه به بررسی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ۵۹/۵ درصد از دانشجویان در سطح متوسط و ۱۷/۵ درصد در سطح زیاد، گرایش به مهاجرت از کشور دارند و فقط ۲۳ درصد از آن‌ها در صدد مهاجرت نیستند. نقش دو متغیر «پایبندی به جامعه ملی» و «دینداری» به عنوان عوامل بازدارنده و «نگرش انتقادی نسبت به شرایط کنونی و آتی جامعه» به عنوان عوامل ترغیب‌کننده گرایش به مهاجرت، از نظر آماری مورد تأیید قرار گرفته همچنین

گرایش به مهاجرت در مردان بیشتر از زنان و در پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالا بیش از پایگاه پایین است (جوهری و سراج‌زاده، ۱۳۸۰). آراسته (۱۳۸۰) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیئت علمی فارغ‌التحصیلان خارج از کشور» در بین ۴۸۱ نفر از اعضای هیئت علمی دانش آموخته خارج از کشور انجام داده، حاکی از آن است که علاوه بر عوامل شغلی (فرصت پیشرفت) و عوامل شخصی (رفاه فردی و خانوادگی)، متغیرهای دیگری مانند آزادی شغلی، آزادی علمی و شرایط اجتماعی - سیاسی بهتر، از جمله عوامل زمینه‌ساز مهاجرت اعضای هیئت علمی است (آراسته، ۱۳۸۰). علاءالدینی و همکاران (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در بین پزشکان» انجام داده‌اند، مطالعه به صورت پیمایش پستی بر روی نمونه‌ای تصادفی از پزشکان ۲۴-۹۴ ساله ثبت شده در نظام پزشکی شامل ۵۴۸۲ نفر انجام شده و نتایج بر روی ۲۷۸۹ پرسشنامه جمع‌آوری شده، مورد تحلیل قرار گرفته است. مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تمایل به مهاجرت از نظر پزشکان: درآمد کم و ناکافی و هزینه و تورم زیاد، وجود تبعیض‌های موجود در جامعه، نیاز به پیشرفت‌های شغلی و فقدان یا کمبود امکانات رفاهی بوده است (علاءالدینی، ۱۳۸۰).

علی‌آبادی (۱۳۸۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم» به تحلیل محتوای مقالاتی در این زمینه پرداخته و بیان می‌کند که دگرگونی روابط اجتماعی ناشی از جهانی شدن از طریق مقولات زیر منجر به فرار مغزها می‌شود؛ تبلیغ اینترنتی فرصت‌های شغلی، جست‌وجوی اینترنتی مشاغل، ارزیابی اینترنتی صلاحیت متقاضیان مهاجرت و... همچنین نتایج نشان می‌دهد که نابرابری اطلاعاتی ناشی از جهانی شدن از طریق مقولات ذیل به فرار مغزها می‌شود. نابرابری در زیر ساختارهای فنی، نابرابری در سخت‌افزارهای کامپیوتری، نابرابری در دسترسی به تسهیلات اینترنت و نابرابری در تولید علم و دانش.

ابراهیمی (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت» روی ۲۰۳ دانشجوی این دو رشته در دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد که عواملی مثل عدم بها دادن به نوآوری و ابتکار، استفاده مطلوب از ساعات کار، مبهم بودن آینده اقتصادی، عدم کفایت حقوق، دستمزدها و فرصت‌های شغلی در گرایش به مهاجرت افراد نمونه نقش داشته است (ابراهیمی، ۱۳۸۱).

عباسی (۱۳۸۲) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایشی در زمینه فرار مغزها در ایران» با تکیه بر اطلاعات ۴۲ کشور

جهان - ۲۷ کشور فرستنده و ۱۵ کشور دریافت‌کننده مهاجر - به مطالعه پدیده مورد نظر پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد، چهار متغیر سطح کیفی زندگی، دموکراسی، توسعه فرهنگی و درآمد، قدرت پیشگویی عضویت افراد در دو گروه مهاجر و غیر مهاجر را دارد. در سطح کلان نیز تعیین‌کننده‌های اقتصادی، توسعه فرهنگی و دموکراسی بر میزان جذب و دفع نیروی کار ماهر تأثیر می‌گذارد (عباسی، ۱۳۸۲).

صالحی عمران (۱۳۸۴) در تحقیقی با عنوان «بررسی نگرش اعضای هیئت علمی درباره دلایل مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور» به بررسی مهاجرت نخبگان پرداخته است. جامعه آماری این مطالعه کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه مازندران بوده است. دو دسته از عوامل رانشی (دافعه‌های داخلی) و عوامل کششی (جاذبه‌های خارجی) مورد بررسی قرار گرفته‌اند. عواملی نظیر «عدم توجه اجتماعی به ارزش فعالیت‌های علمی؛ نبود تسهیلات لازم برای پژوهش، پایین بودن حقوق و دستمزد و احساس وجود تبعیض و نابرابری» به‌طور «خیلی زیاد» و «زیاد» به‌عنوان عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور مؤثر بوده‌اند. عوامل سیاسی مانند «وجود فشارهای سیاسی و نبود آزادی در ابراز عقیده» اهمیت چندانی در نظر اعضای هیئت علمی نداشته است. نتایج این تحقیق همچنین نشان داده که «امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی، ارتقای رشد علمی و حرفه‌ای، وجود فرصت‌های شغلی بهتر، دسترسی به دستمزد بیشتر، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض و نهایتاً ارتباط بهتر با نیازهای جامعه خارجی» به ترتیب در دیدگاه اعضای هیئت علمی به‌عنوان عوامل کششی قلمداد شده‌اند.

ذکایی در مقاله‌ای که در سال ۸۵ با عنوان «جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان» به رشته تحریر در آورده است. او اذعان می‌دارد که مهاجرت به‌عنوان تجربه‌ای از مصرف مکان و فضا، راه‌حلی است برای پر کردن فرصت‌های زندگی، در میان طیفی از نخبگان جوان، که با انتخاب آن به دنبال ارتقای سرمایه‌های فرهنگی و انسانی خویش و حفظ تمایز خویش هستند. وی در این مقاله با الهام از مفهوم نوگرایی بازاندیشانه متفکران مدرن و پست‌مدرن معاصر و با استفاده از رویکرد نظریه مبنایی به دنبال روشن ساختن تفسیر، معنا و اهمیت رفتار مهاجرتی نخبگان جوان بر هویت‌یابی و انگیزه‌ها و زمینه‌های اجتماعی فرهنگی مؤثر بر این رفتار است. نتایج پژوهش کیفی انجام شده بیانگر تأثیر آشکار فرآیندهای جهانی شدن و ارزش‌های جهان وطنی بر گرایش‌ها و ارزش‌های این گروه از جوانان است. به همان‌سان در سطح فردی تمایل به حفظ سلیقه‌ها و سبک‌های زندگی فردی، ارتقای

مهارت‌های حرفه‌ای و تحصیلی و نیاز به اثبات توانایی‌های فکری و حرفه‌ای، محرک مهمی در انتخاب رفتارهای مهاجرتی محسوب می‌شود (ذکایی، ۸۵).

محسنی تیریزی و ماندانا عدل (۱۳۸۵) تحقیقی را با عنوان «بررسی عوامل روان‌شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های شهر تهران به مهاجرت به خارج از کشور» در بین کلیه اعضای هیئت علمی رسمی شاغل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران که شامل ۱۸۱۴ نفر بوده انجام داده‌اند، نمونه آماری این پژوهش ۱۲۰ نفر از اعضای هیئت علمی بوده که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت به‌طور معکوس با رضایت شغلی، احساس امنیت شغلی، احساس رضایت از زندگی، درجه مشارکت سیاسی-اجتماعی، سال‌های اشتغال به دانشگاه و عوامل مداخله‌گر رابطه دارد. همچنین تمایل به مهاجرت به‌طور مستقیم با وضعیت اقتصادی-اجتماعی، عوامل دافعه و جاذبه همبسته هستند. نتایج حاصل از کاربرد رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیرهای رضایت شغلی، مشارکت اقتصادی-اجتماعی، عوامل جاذبه، سال‌های اشتغال در دانشگاه و عوامل مداخله‌گر به‌عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل مؤثر بر انگیزش به مهاجرت اعضای هیئت علمی مطرح‌اند و این متغیرها توانسته‌اند ۴۵ درصد از کل تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند (محسنی تیریزی و عدل، ۱۳۸۵).

نیازی در سال ۸۶ در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان دختر با گرایش آن‌ها به مهاجرت به خارج از کشور» در بین ۵۰۸ نفر از دانشجویان دختر مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکترا) در دو دانشگاه شیراز و فردوسی مشهد، را مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از میان متغیرهای جمعیتی مورد بررسی (سن، وضعیت تأهل و قومیت) متغیر وضعیت تأهل با گرایش به مهاجرت رابطه معناداری داشته است. از بین متغیرهای فرهنگی و اجتماعی نیز رشته تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل، تحصیلات والدین، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم در ایران، احساس تعلق به وطن، نگرش نسبت به عدالت جنسیتی، نگرش نسبت به حقوق بشر، ابعاد چهارگانه دینداری با متغیر وابسته رابطه معناداری داشته‌اند. در تجزیه و تحلیل چند متغیر، متغیرهای احساس تعلق به وطن، بعد پیامدی دینداری، استفاده از رسانه‌های جمعی، نگرش نسبت به جایگاه علم و پژوهش در ایران، نگرش نسبت به حقوق بشر و متأهل بودن با گرایش به مهاجرت دارای رابطه معنادار هستند و ۵۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند (نیازی، ۸۶).

عظیمی (۱۳۸۷) در تحقیق با عنوان «بررسی انگیزه‌های مهاجرت به خارج از کشور در

استان‌های شمالی ایران» ضمن بررسی خصوصیات افراد علاقه‌مند به مهاجرت به خارج، گرایش‌ها و رفتار مهاجرتی آن‌ها را در ارتباط با عواملی مانند علل و انگیزه‌های مهاجرت، کشور یا کشورهای مقصد، چگونگی مهاجرت، نحوه اقدام افراد برای مهاجرت، میزان آگاهی متقاضیان مهاجرت از شرایط کار و زندگی کشورهای مقصد، آشنایی با فرایند مهاجرت و آگاهی از خطرات احتمالی مهاجرت مورد مطالعه قرار می‌دهد. روش تحقیق این مطالعه به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و نمونه ۳۵۰ نفر از افراد علاقه‌مند به مهاجرت به خارج از کشور در سه استان گیلان، مازندران و آذربایجان شرقی بوده که به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت به خارج از کشور مورد اقبال بسیاری از جوانان می‌باشد. در این میان مهم‌ترین دلیل مهاجرتی افراد نمونه؛ ادامه تحصیل بوده است جوان بودن اکثر متقاضیان و هدف تحصیلی به عنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرتی برای اکثریت آن‌ها، حکایت از آن دارد که فرصت‌های تحصیلی موجود در داخل هنوز بازار تقاضای تحصیل را به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی کفایت نمی‌کند و یا این‌که با توجه به میزان بالای نرخ بیکاری در میان افراد تحصیل کرده، جوانان گرایش به تحصیل در خارج را دارند. دومین انگیزه افراد نمونه به مهاجرت، بهبود شرایط اقتصادی می‌باشد. شرایط اقتصادی کشور به‌ویژه در سال‌های گذشته که همراه با تورم بالا و عدم افزایش متناسب حقوق و درآمدها همراه بوده سبب عدم رضایت مردم شده، به همین دلیل ارتقای شرایط اقتصادی دومین دلیل از طرف متقاضیان مهاجرت مطرح شده است. شرایط بهتر اجتماعی و فرهنگی و در نظر گرفتن آینده فرزندان از دیگر عوامل مهمی هستند که به عنوان دلیل سوم و چهارم از طرف متقاضیان به مهاجرت مطرح شده است.

در تحقیقی که شیرازی و مصیب در سال ۲۰۰۶ تحت عنوان «تحصیلات و مهاجرت به خارج از کشور، عامل به وجود آورنده جامعه امریکایی - ایرانی» انجام داده‌اند، به بررسی علت مهاجرت ایرانی‌ها به امریکا پرداخته‌اند. نمونه این تحقیق، ۱۰۱ فرد ایرانی ساکن در امریکا بوده، ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بوده که از طریق دو وب سایت مختلف به ایرانیان مقیم امریکا عرضه شده است. افراد نمونه دلایل مهاجرت خود را چنین عنوان کرده‌اند: فرصت‌های تحصیلاتی در امریکا (۸۷ درصد)، فقدان آزادی‌های اجتماعی در ایران (۴۶ درصد)، فشارهای سیاسی و مذهبی به ترتیب ۱۵ و ۱۲ درصد از علت‌ها را به خود اختصاص داده است و ۷۱/۴ درصد معتقد بودند که اگر یک موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناسبی در ایران دریافت کنند، به ایران باز خواهند گشت (Shirazi & Mossayeb, 2006) در تحقیقی که شاه‌آبادی و همکاران در سال ۲۰۰۶ با عنوان «بررسی عوامل فرار مغزها (یک مطالعه موردی از ایران)» انجام داده است. به بررسی عواملی که بر روی فرار مغزها از ایران به کشورهای اروپایی در طول سال‌های

۱۳۵۲-۱۳۸۲ تأثیر داشته پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که عواملی مثل میزان بیکاری، تفاوت میزان دستمزدهای در ایران و کشورهای اروپایی و همچنین تفاوت سطح رفاه در ایران و کشورهای اروپایی و تفاوت عواملی مثل GNE^1 , GDP^2 و GCF^3 در ایران و کشورهای اروپایی تأثیر مثبتی داشته روی افزایش روند مهاجرت نخبگان به خارج از کشور. همچنین عواملی مثل جنگ، حقوق سیاسی، آزادی و بروکراسی تأثیر مثبتی روی فرار مغزها از ایران به کشورهای اروپایی داشته است (Shahabadi, et.al., 2006). در تحقیقی که توسط پاون، یهودا و نارش در سال ۲۰۰۷ با موضوع «مسئله فرار مغزها» در دانشگاه‌های میسوری و کلمبیا امریکا و دانشگاه‌های نروبیچ و شرق آنجلیای انگلیس روی ۹۴۹ دانشجوی رشته مدیریت انجام شده است، از جمله دلایلی که این محققین برای پدیده فرار مغزها بیان کرده‌اند، عبارتند از: جهانی شدن، توسعه تکنولوژی‌های ارتباطی و حمل و نقل، توسعه اقتصادی و ظهور بازارهای تجاری، غرب‌گرایی شدن تحصیلات مدیریتی، توسعه تحصیلات به‌عنوان یک صنعت مهم برای کشورهای شبیه امریکا، انگلیس و استرالیا و فقدان پایدار افراد متخصص در کشورهای توسعه یافته. (Pavan, Yehoda & Naresh, 2007).

نقد پیشینه

در نظر گرفتن نکات مثبت کارهای پیشین به بارورتر شدن پژوهش حاضر کمک خواهد کرد. مسلماً مشخص شدن نقاط ضعف تحقیقات قبل، به پژوهش‌گر کمک می‌کند، راه‌حل‌های جدید را برای دوری جستن از اشتباهات گذشته انتخاب نماید. در مورد کارهای داخلی مثل تحقیق آراسته، جواهری و سراج‌زاده، صالحی عمران و... و پژوهش‌های خارجی مثل: شیرازی و مصیب، پاون، یهودا و نارش تنها به بررسی مهاجرت نخبگان و متخصصان کشور پرداخته شده و از بررسی و سنجش گرایش به مهاجرت افراد عامه جامعه صرف‌نظر شده؛ که در پژوهش حاضر نمونه ما افراد عادی جامعه می‌باشند و تمایل این افراد به مهاجرت‌های بین‌المللی سنجیده شده است. همچنین در این مطالعه، سعی شده به بررسی عوامل برانگیزنده مهاجرت‌های بین‌المللی مثل: عامل اقتصادی، سیاسی، آموزشی و اجتماعی- فرهنگی به‌عنوان عوامل اصلی که در نگرش افراد نسبت به مسائل اجتماعی در هر جامعه نقش مهمی داشته، پرداخته شود.

1. Game Networking Engine (GNE)
2. Gross Domestic Product (GDP)
3. Gynecologic Concer Fondation (GCF)

مبانی نظری

نظریه محرومیت نسبی:

این نظریه که توسط منگالام و شوآرز ولدر ارائه شده بیانگر آن است که احساس محرومیت از ارزش‌ها و امور مطلوب، تحت شرایط خاصی، موجب مهاجرت می‌شود. براساس این نظریه، زمانی که جامعه قادر به تأمین نسبی احتیاجات و نیازهای افراد نباشد، احتمال بروز رفتارهای جمعی افزایش می‌یابد. یکی از این رفتارهای جمعی مهاجرت است که در چنین شرایطی احتمال وقوع آن افزایش می‌یابد. در شرایط محرومیت نسبی افراد برای رفع محرومیت خویش از امکانات مادی و معنوی اقدام به مهاجرت می‌کنند (لهسایبی زاده، ۱۳۶۸: ۳۶).

نظریه نظام جهانی:

براساس طرفداران این دیدگاه مثل والرشتاین (۱۹۷۴)، نکا (۱۹۹۴)، و پان چز (۱۹۹۲)، نظام سرمایه‌داری نیازمند انباشت سرمایه است و این هدف موجب جذب منابع کشورهای پیرامون به مرکز می‌شود. فرایند مهاجرت به خصوص مهاجرت نخبگان نیز بخشی از فرایند انباشت سرمایه محسوب می‌شود. ناموزونی در انباشت سرمایه، درجه توسعه و تجمع قابلیت فناوری، تراکم سرمایه انسانی برای کشور میزبان را به همراه دارد (استرایهر^۱، ۲۰۰۰: ۱۴ به نقل از عباسی، ۱۳۸۲: ۷۱).

نظریه اقتصاد نئوکلاسیک:

الف: نظریه کلان اقتصاد نئوکلاسیک: طبق این نظریه، مهاجرت بین‌المللی همانند مهاجرت داخلی به وسیله اختلاف جغرافیایی عرضه و تقاضای کالا به وجود می‌آید. در کشورهای دارای نیروی عظیم کار در مقابل سرمایه کم، دستمزدها در بازار کم می‌باشد. در حالی که کشورهای دارای محدودیت نیروی کار نسبت به سرمایه (سرمایه بیشتری در مقایسه با نیروی کار دارند)، دستمزدهای بالاتری در بازار کار دارند. اختلاف دستمزد نیروی کار باعث می‌شود کارگران از کشورهای با دستمزد کم به کشورهای با دستمزد زیاد حرکت کنند. در نتیجه این حرکت عرضه کارگران در کشورهای فقیر از نظر سرمایه کاهش می‌یابد و با کاهش عرضه، دستمزدها افزایش می‌یابد. مشابه جریان نیروی کار که از کشورهای دارای نیروی کار فراوان به سوی کشورهای دارای کمبود در نیروی کار است، سرمایه نیز از کشورهای غنی از سرمایه به

1. Strabher

کشورهای فقیر جریان می‌یابد (مسی، ۱۳۶۴: ۸۵).

ب: نظریه خرد اقتصاد نئوکلاسیک (رویکرد هزینه-فایده): در این رویکرد به نمای فردی تصمیم به مهاجرت توجه می‌کنند و مهاجرت کنشی در ارتباط با اختیار و اراده فرد در نظر گرفته می‌شود (Smith, 1995). در این طرح عاملان و کنشگران عاقل منفرداً تصمیم به مهاجرت می‌گیرند زیرا محاسبه هزینه-فایده باعث می‌شود انتظار بازده خالص مثبتی را، معمولاً بازده پولی، از مهاجرت داشته باشند (مسی، ۱۳۶۴: ۸۶).

نظریه اقتصاد جدید مهاجرت:

طبق این نظریه، تصمیمات مهاجرتی به وسیله هر یک از افراد به تنهایی گرفته نمی‌شود، بلکه واحدهای بزرگ‌تری مثل خانواده چنین تصمیماتی را می‌گیرند که در آن نه فقط برای بیشتر کردن درآمد مورد انتظار بلکه همچنین برای کمتر کردن خطرات و محدودیت‌های همراه با شکست‌های گوناگون بازار، به جز آن‌هایی که در بازار وجود دارد، به‌طور جمعی عمل می‌کنند (همان، ۸۸)

نظریه راونشتاین:

این نظریه از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در باب مهاجرت می‌باشد. وی با وضع قوانین جاذبه و دافعه در مهاجرت مدعی شد که عوامل جاذب اجتماعی-اقتصادی و فیزیکی فرد را به سوی مهاجرت ترغیب و تحریک می‌کند. در مقابل، شرایط نامطلوب اجتماعی و فیزیکی او را از سرزمین مألوف رانده و دفع می‌کند (Weeks, 1999: 238).

نظریه جاذبه و دافعه اورت.اس.لی^۱:

براساس مفروضات این نظریه، الف: عوامل جاذبه یا برانگیزنده شامل عوامل اقتصادی: توسعه اقتصادی، تقاضا برای نیروی کار، امنیت سرمایه و تسهیلات با ساختار پایین؛ عوامل سیاسی: دموکراسی اجتماعی، تمرکززدایی، دیوان‌سالاری روان‌تر، سیاست کمک و همیاری؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی: نظم و قانون، جذابیت‌های تحصیلاتی و پژوهشی، رفاه بیشتر (سطح بالاتری از کیفیت زندگی) و عوامل جمعیتی: باروری پایین، جمعیت فعال پایین، نسبت جنسی نامتوازن. ب: عوامل دافعه شامل عوامل اقتصادی: فقر، تورم، کساد مالی و کشمکش‌های

1. Evert. S. Lee

اقتصادی، کثرت نیروی کار، حقوق کم برای شغل‌های سخت و با مهارت، میزان بالای مالیات؛ عوامل سیاسی: تعصب سیاسی، نوع ایدئولوژی، استبداد و عدم ثبات سیاسی (فقدان آزادی)؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی: پیوند خانوادگی، ازدواج، خواسته‌های تحصیلی، نارضایتی زندگی، میزان جرم و جنایت و... عوامل ناگهانی مثل جنگ، آزار و اذیت و شکنجه (Moghaddas, 2003: 5). (بنابراین براساس نظریه اورت لی عوامل مؤثر بر گرایش به مهاجرت به خارج از کشور را می‌توان در چارچوب‌های زیر مورد بررسی قرار داد. خصوصیات و ویژگی‌های شخصی – عوامل برانگیزنده و باز دارنده در مبدأ – عوامل برانگیزنده و بازدارنده در مقصد و عوامل مداخله‌گر (زنجان، ۱۳۷۱: ۶۸).

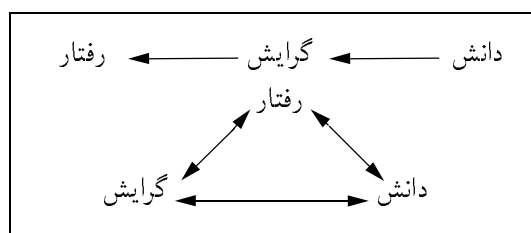
نظریه جهانی شدن:

جهانی شدن را می‌توان به‌عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد. همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که کیلومترها با آن فاصله دارند، شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز، ۱۳۸۰: ۷۷). جهانی شدن، حداقل با فرایند نوگرایی هم‌زمان است و از این رو آغاز آن به قرن ۱۶ برمی‌گردد و شامل فرایندهای نظام‌مند کردن اقتصاد، روابط بین‌الملل در بین دولت‌ها و ظهور یک فرهنگ و آگاهی جهانی است. این فرایند در طول زمان تشدید شده و در حال حاضر در سریع‌ترین مرحله توسعه خود است (واترز^۱، ۱۳۷۹: ۹۵). جهانی شدن فرایندی متمایز کننده و همگون‌ساز است و با پذیرش ارزش خرده‌فرهنگ‌ها و توانایی‌های محلی، جهان را به سوی کثرت‌گرایی سوق می‌دهد (همان منبع: ۱۹۹). مهاجرت متخصصان به کشورهای توسعه یافته نتیجه افزایش تعامل جهانی و نابرابری جهانی پایدار میان ملت‌ها که هر دو بازتاب روند تعامل جهانی شدیدی هستند، می‌باشد. از یک طرف، با شدت گرفتن فرایند جهانی شدن، روابط بین کشورها به‌ویژه بین جهان توسعه یافته و در حال توسعه تقویت می‌شود. از طرف دیگر، این فرایند، اختلاف کلی کشورها را از لحاظ توسعه‌یافتگی حفظ و استمرار می‌بخشد (Cheng & Yang, 1998: 62).

در تعریف مفهوم گرایش، نوعی آمادگی فکری، عاطفی و رفتاری برای انجام یک کار خاص است. در واقع گرایش به معنای ارزیابی پایدار از ابعاد مختلف دنیای اجتماعی است (Baron, 1997: 46). آلپورت معتقد است که گرایش یک آگاهی ذهنی را برای یک عمل خاص

1. Waters

می‌رساند، که به وسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسان نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سر و کار دارد تأثیر جهت‌دهنده و پویا می‌گذارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۲: ۵). به خاطر این‌که گرایش و تمایلات را به‌طور مستقیم نمی‌توان شناخت، لذا باید از واکنش‌های شخصی نسبت به یک پدیده استنتاج شود. برترا^۱، مایر^۲ و آکر^۳ (۱۹۹۶) سه نوع واکنش فردی نسبت به یک پدیده را ذکر کرده‌اند. الف: شناختی: آگاهی، دانش و درک؛ ب: احساسی: ارزیابی و ترجیح؛ ج: رفتاری: گرایش عملی. آنان معتقد هستند که این سه مورد به‌طور نزدیکی با هم ارتباط دارند (ظهیری‌نیا، ۱۳۸۳: ۵۶-۶۲). چارچوب نظری آلپورت با یک مدل سه قسمتی دانش، گرایش و رفتار کار می‌کند. برخی این مدل را به‌عنوان یک مکانیسم بازسازی کرده‌اند، که روی وابستگی این سه جزء تأکید زیادی وجود دارد.



(همان منبع: ۶۴)

نمودار ۳-۱. مدل آلپورت درباره گرایش

برای سنجش متغیر گرایش و تمایل به مهاجرت، نظریه‌های متفاوتی آورده شد که هر یک از جنبه‌ای به بررسی این مسئله می‌پردازند. مدل نظری گرایش به مهاجرت در این پژوهش بر مبنای ترکیب نظریه جاذبه و دافعه لی و نظریه جهانی شدن و گرایش آلپورت بنا شده است.

فرضیه‌های پژوهش:

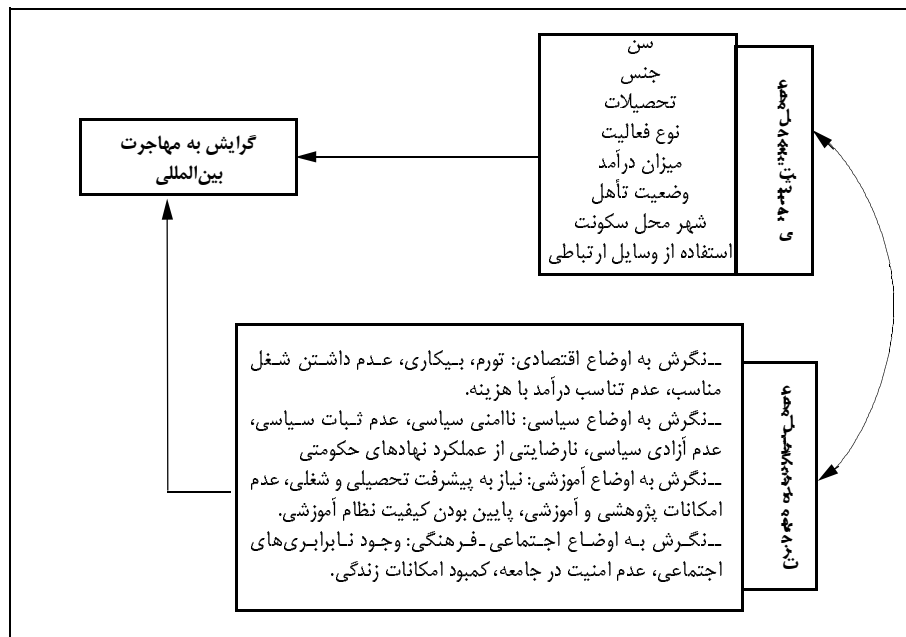
به نظر می‌رسد تمایل جوانان به مهاجرت با عوامل اقتصادی کشور رابطه معناداری دارد.
به نظر می‌رسد تمایل جوانان به مهاجرت با عوامل اجتماعی-فرهنگی کشور رابطه معناداری دارد.

1. Brtra
3. Aaker

2. Myers

به نظر می‌رسد تمایل جوانان به مهاجرت با عوامل سیاسی کشور رابطه معناداری دارد. به نظر می‌رسد تمایل جوانان به مهاجرت با عوامل آموزشی کشور رابطه معناداری دارد. به نظر می‌رسد بین عوامل جمعیت‌شناختی و تمایل افراد به مهاجرت رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی روی عوامل برانگیزنده مهاجرت و همچنین روی گرایش به مهاجرت کنترل شده است.

نمودار ۳-۲. مدل تجربی تحقیق



روش پژوهش

روش پژوهش، پیمایش^۱ است. که مبتنی است بر یک نمونه نمایا و یک ابزار سنجش معتبر. محقق در این روش، یک رویکرد قیاسی را دنبال می‌کند. او کارش را با مسئله نظری یا تحقیق کاربردی شروع می‌کند و با اندازه‌گیری تجربی و تحلیل داده‌ها، خاتمه می‌دهد

1. Survey

(Neuman, 1999: 231). جامعه آماری شامل ساکنان ۱۸ - ۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان می باشند. طبق تعریف سازمان ملل، افراد ۱۵ - ۲۴ ساله هر جامعه جوانان آن جامعه را تشکیل می دهند (UN, General Assembly, 2002). در این پژوهش علت گزینش طیف سنی ۱۸ - ۳۰ ساله، این بوده که افراد استقلال کافی جهت تصمیم گیری برای مهاجرت به خارج داشته باشند. علت انتخاب این دو شهر، تفاوت سطح توسعه آن ها می باشد. براساس آیین نامه اجرایی ماده ۷۶ قانون برنامه سوم توسعه، در طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ استان های کشور براساس سطح توسعه شان از اعتبارات عمرانی بهره مند شده اند. نسبت اعتبارات عمران استانی به درآمد های استانی در طی این سال ها، نشانگر سطح توسعه آن ها می باشد. نسبت فوق برای استان فارس طی سال های یاد شده ۷۱ درصد بوده که نشانگر این است که استان فارس در گروه استان های توسعه یافته کشور قرار دارد (میرفردی، ۸۵: ۱۱۹). همچنین در سال ۱۳۷۹ سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان فارس جهت رتبه بندی توسعه یافتگی ۱۸ شهرستان این استان بر مبنای آمار جمع شده سال ۱۳۷۷ - ۷۸ تحقیقی انجام داد. براساس نتایج این تحقیق شهرستان شیراز بالاترین رتبه و ارسنجان کم ترین رتبه توسعه را کسب کرده اند (نشاط قوجق، ۱۳۸۱: ۲۰ - ۲۱).

براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ برای شهر شیراز ۵۲۹۴۹۸ نفر و برای شهر ارسنجان ۱۴۲۳۵ نفر در این گروه سنی قرار داشتند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)، که با استفاده از جدول لین (Lin, 1974) حجم نمونه تعیین شد. در این تحقیق با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و با این فرض که ۵۰ درصد از جمعیت پاسخ یکنسانی بدهند، حجم نمونه برای شیراز ۴۰۰ نفر و برای ارسنجان ۳۷۰ نفر به دست آمد، که جمعاً ۷۷۰ نفر نمونه ما را تشکیل دادند و نمونه گیری به روش تصادفی از نوع چند مرحله ای طبقه ای منظم صورت گرفته است. در پژوهش حاضر برای اندازه گیری گرایش به مهاجرت از پرسشنامه ای با ۳۵ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است.

تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها

تمایل به مهاجرت: تمایل نوعی گرایش یا آگاهی روانی، زمینه ای و سازمان یافته برای انسداد شدن، احساس، ادراک و رفتار کردن نسبت به یک موضوع شناختی است (بیرو ۲۲: ۱۳۶۶ به نقل از عدل، ۱۳۸۵: ۲۷۹). مهاجرت به خارج از کشور: حرکت دائمی افراد از مرزهای نمادی و سیاسی کشور، به سوی اقامتگاه ها و اجتماعات جدید است (Marshall, 1999: 320). عوامل جمعیت شناختی پاسخگویان شامل: سن، جنس،

تحصیلات، میزان درآمد، نوع فعالیت، وضعیت تأهل و شهر محل سکونت. عوامل برانگیزنده مهاجرت: شامل اوضاع اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، سیاسی و آموزشی کشور می‌باشد. به این ترتیب که چنانچه نارضایتی از هر یک از این عوامل در داخل کشور بیشتر باشد، باعث شده که فرد نمونه آن را انتخاب کند و آن را عامل برانگیزنده مهاجرت خود بیان کند. که هر کدام از طریق چند گویه اندازه‌گیری شده است.

برای پایایی^۱ ابزار سنجش از آزمون آلفا کرونباخ^۲ استفاده شده است. آلفای کرونباخ برای تمایل به مهاجرت با تعداد ۳۵ گویه ($\alpha = 0/77$) به دست آمد. جهت اعتبار^۳ گویه‌های به کار گرفته شده در سنجش تمایل به مهاجرت، از اعتبار سازه و آزمون تحلیل عامل استفاده شد. به منظور توصیف و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار spss استفاده شده است و آزمون‌های اسپیرمن، کای اسکوار، مان ویتنی و کروسکال والیس و برای تحلیل چند متغیره تأثیر همزمان متغیرهای مستقل (گرایش به مهاجرت به صورت اسمی و دو وجهی) بر وابسته از رگرسیون لجستیک استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت نتایج به دست آمده از تحقیق را به صورت توصیفی و استنباطی مورد بررسی قرار داده‌ایم. توصیف مشخصات جمعیت‌شناختی افراد نمونه به شرح زیر می‌باشد: ۵۴ درصد از جمعیت نمونه مرد و ۴۶ درصد زن هستند. ۶۸ درصد مجرد و ۳۱ درصد متأهل، ۶۲/۵ درصد غیر فعال و ۳۷/۵ درصد فعال هستند. ۷۲ درصد دارای درآمد پایین، ۲۱ درصد درآمد متوسط و ۷ درصد دارای درآمد بالا هستند. ۳۰ درصد در سطح پایین، ۵۶ درصد در سطح متوسط و ۱۴ درصد در سطح بالا از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند. ۳۰ درصد دیپلم، ۲۴ درصد فوق دیپلم، ۴۱ درصد لیسانس و ۵ درصد در سطح فوق لیسانس بوده‌اند. میزان گرایش به مهاجرت: ۹ درصد در سطح پایین، ۶۰ درصد در سطح متوسط و ۳۱ درصد در سطح بالا بوده‌اند (۹۱ درصد در سطح متوسط و بالا بوده‌اند).

1. Reliability
3. Validity

2. Alpha cronbach

جدول (۱) بررسی رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با میزان تمایل به مهاجرت

سطح معناداری	آزمون	میزان تمایل به مهاجرت			متغیرهای مستقل	
		پایین	متوسط	بالا		
۰/۰۰۰	$X^2 = 171/79$	۲۷	۲۶۸	۵۷	زن	جنس
		۲۱۱	۱۸۹	۱۸	مرد	
۰/۰۲	$X^2 = 11/26$	۶۴	۱۵۶	۲۷	۲۱-۱۸	سن
		۱۱۱	۱۷۸	۳۸	۲۵-۲۲	
		۶۳	۱۲۳	۱۰	۳۰-۲۶	
۰/۰۰۰	$X^2 = 123/89$	۱۵	۱۸۴	۲۹	دیپلم	میزان تحصیلات
		۵۱	۱۱۴	۲۱	فوق دیپلم	
		۱۴۵	۱۴۳	۲۳	لیسانس	
		۲۷	۱۳	۱	فوق لیسانس	
۰/۰۵	$X^2 = 12/89$	۱۲۵	۲۴۳	۳۲	شیراز	شهر محل سکونت
		۱۱۳	۲۱۴	۴۳	ارسنجان	
۰/۰۰	$X^2 = 183/10$	۲۲۰	۲۵۲	۹	غیر فعال	نوع فعالیت
		۱۸	۲۰۵	۶۶	فعال	
۰/۰۰۸	$X^2 = 13/82$	۱۸۰	۳۰۱	۴۳	مجرد	وضعیت تأهل
		۵۷	۱۴۹	۳۲	متأهل	
		۱	۷	۰	مطلقه	
۰/۰۰۰	$X^2 = 140/87$	۵۸	۳۲۱	۵۳	پایین	استفاده از وسایل ارتباطی
		۱۲۱	۹۲	۱۵	متوسط	
		۵۹	۴۴	۷	بالا	
۰/۰۰۳	$X^2 = 16/2$	۱۵۰	۳۴۶	۵۶	پایین	درآمد
		۵۷	۸۸	۱۳	متوسط	
		۲۷	۲۱	۶	بالا	

در جدول (۱) رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی با میزان تمایل به مهاجرت بررسی شده است. اطلاعات به دست آمده حاکی از آن است که تمام متغیرهای جمعیت‌شناختی با تمایل

به مهاجرت دارای رابطه معناداری می‌باشند. به منظور تشریح دقیق‌تر این رابطه، برخی از نتایج جدول گزارش می‌شود. جنس: مردان بیشتر از زنان دارای گرایش به مهاجرت هستند. به طوری که ۲۱۱ نفر از مردان در مقابل ۲۷ نفر از زنان دارای گرایش به مهاجرت بالا هستند. ضعیف‌تر بودن گرایش زنان، تا حدی تحت تأثیر محدودیت‌های اجتماعی-فرهنگی است که برای خارج شدن آنان از کشور وجود دارد. به علاوه، از آن‌جا که در جامعه ایران مسئولیت تأمین معاش بر عهده زنان نیست، این امر سبب می‌شود تمایل آن‌ها برای جست‌وجوی کار در خارج از کشور ضعیف‌تر از مردان باشد. سن: رده سنی ۲۲-۲۵ ساله بیشتر از گروه‌های سنی دیگر گرایش به مهاجرت داشته‌اند. میزان تحصیلات: افراد با تحصیلات لیسانس در مقایسه با گروه‌های دیگر تحصیلی دارای گرایش به مهاجرت بیشتری بوده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که علت آن ادامه تحصیل یا پیدا کردن شغل بوده است. شهر محل سکونت: افراد ساکن در شیراز در مقایسه با افراد ساکن در ارسنجان دارای گرایش به مهاجرت بیشتری بوده‌اند، به نظر می‌رسد موقعیت یک شهر بزرگ و پیشرفته که دارای امکانات بیشتری از جمله دسترسی بیشتر به وسایل ارتباطی و حمل و نقل، صنعت، تحصیلات و... در مقایسه با شهر ارسنجان، در نگرش افراد برای گرایش به مهاجرت نقش داشته است. نوع فعالیت: ۲۲۰ نفر از افراد غیر فعال در مقایسه با ۱۸ نفر از افراد فعال دارای گرایش به مهاجرت بالا بوده‌اند، به نظر می‌رسد افراد غیر فعال به دلیل جست‌وجوی کار و شغل و یا جهت ادامه تحصیل گرایش بیشتری به مهاجرت داشته باشند. وضعیت تأهل: افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل و مطلقه دارای گرایش به مهاجرت بیشتری بوده‌اند، نتایج نشان می‌دهد که ۱۸۰ نفر از افراد مجرد در مقابل ۵۷ نفر متأهل و ۱ نفر مطلقه دارای گرایش به مهاجرت بالا بوده‌اند. معمولاً افراد متأهل به علت درگیر بودن به مسائل خانوادگی و مسئولیت‌های آن کمتر می‌توانند اقدام به مهاجرت نمایند. میزان استفاده از وسایل ارتباطی: براساس نتایج افرادی که در سطح متوسط از وسایل ارتباطی استفاده می‌کنند دارای گرایش به مهاجرت بالاتری بوده‌اند. میزان درآمد: براساس نتایج، افراد با درآمد پایین دارای گرایش به مهاجرت بالاتری بوده‌اند. به طوری که ۱۵۰ نفر از افراد با درآمد پایین در مقابل ۵۷ نفر با درآمد متوسط و ۲۷ نفر با درآمد بالا دارای گرایش به مهاجرت بالایی بوده‌اند و چنین به نظر می‌رسد که بیشتر این افراد در جست‌وجوی کار با درآمد بهتر و بالاتر بوده‌اند.

در جدول (۲) به بررسی رابطه عوامل برانگیزنده مهاجرت با گرایش به مهاجرت بین‌المللی پرداخته شده است. در ابتدا از افراد خواسته شده که عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت خود را به ترتیب اولویت رتبه‌بندی کرده که نتیجه آن در جدول آورده شده است. علاوه بر آن نتایج نشان

جدول (۲) بررسی رابطه عوامل اقتصادی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی با گرایش به مهاجرت

سطح معناداری	آزمون	گرایش به مهاجرت			طبقات	عوامل برانگیزنده مهاجرت
		پایین	متوسط	بالا		
۰/۰۳	$X^2 = ۱۶/۵۰$	۲۲۲	۱۳۲	۱۹	اولویت اول	عوامل اقتصادی
		۹۶	۶۱	۸	اولویت دوم	
		۳۷	۱۹	۸	اولویت سوم	
		۴۳	۳۱	۳	اولویت چهارم	
		۳۷۲	۲۱۶	۳۷	بدون اولویت	
۰/۰۰۰	$X^2 = ۳۱/۰۵$	۳۲	۴۵	۶	اولویت اول	عوامل آموزشی
		۴۸	۵۳	۶	اولویت دوم	
		۱۹	۵۴	۶	اولویت سوم	
		۱۸	۸۳	۱۸	اولویت چهارم	
		۱۲۱	۲۲۲	۳۹	بدون اولویت	
۰/۰۴	$X^2 = ۱۵/۹۸$	۱۸	۳۸	۲	اولویت اول	عوامل سیاسی
		۲۲	۶۰	۱۷	اولویت دوم	
		۳۰	۷۰	۸	اولویت سوم	
		۴۳	۶۰	۸	اولویت چهارم	
		۴۰	۲۲۹	۱۲۵	بدون اولویت	
۰/۰۰۰	$X^2 = ۷۰/۳۳$	۱۰	۴۳	۱۵	اولویت اول	عوامل اجتماعی-فرهنگی
		۳۷	۸۶	۱۰	اولویت دوم	
		۴۰	۸۷	۱۲	اولویت سوم	
		۲۴	۱۷	۱	اولویت چهارم	
		۱۲۷	۲۲۴	۳۷	بدون اولویت	

می‌دهد که به ترتیب نگرش (منفی) نسبت به عوامل اجتماعی-فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و سیاسی دارای بیشترین رابطه معناداری با گرایش به مهاجرت داشته‌اند.

در جدول (۳) رابطه عوامل برانگیزنده مهاجرت (عوامل اقتصادی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی-فرهنگی) با متغیرهای جمعیت‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته است و تنها متغیرهایی که دارای رابطه معنادار با عوامل بوده‌اند آورده شده است، که در این جا به بررسی دقیق‌تر آن‌ها می‌پردازیم.

جدول (۳) بررسی رابطه عوامل برانگیزنده مهاجرت با متغیرهای جمعیت‌شناختی

سطح معناداری	آزمون	درصد	متغیرهای جمعیت‌شناختی		عوامل برانگیزنده مهاجرت	
.۰/۰۴	$U = ۹/۸۷$	۵۱	مرد	جنس	عوامل اقتصادی	
		۴۹	زن			
		۶۵	شیراز	شهر محل سکونت		
			۲۵			ارسنجان
		۶۹/۵	۴۱/۱	غیر فعال		نوع فعالیت
۳۱/۵	فعال					
.۰/۰۵	$k = ۱۴/۱۸$	۷۱	مجرد	وضعیت تأهل		
		۲۹	متاهل			
		۰	مطلقه			
.۰/۰۱	$U = ۱۳/۱۰$	۴۲	مرد	جنس		عوامل آموزشی
		۵۸	زن			
.۰/۰۰۰	$r = -۰/۱۸۸$	۱	دیپلم	تحصیلات		
		۱۳	فوق دیپلم			
		۷۴	لیسانس			
		۱۳	فوق لیسانس			
.۰/۰۰۰	$U = ۳۷/۴۴$	۵۸	شیراز	شهر محل سکونت		
		۴۲	ارسنجان			
.۰/۰۳	$k = ۱۶/۳۶$	۷۴/۵	مجرد	وضعیت تأهل	عوامل سیاسی	
		۲۵/۵	متاهل			
		۰	مطلقه			
.۰/۰۵	$U = ۱۸/۶$	۵۵	غیر فعال	نوع فعالیت		
		۴۵	فعال			
.۰/۰۰۰	$U = ۴۴/۶۱$	۵۲/۵	شیراز	شهر محل سکونت		
		۴۶/۵	ارسنجان			
.۰/۰۳	$U = ۰/۹۳$	۲۹	پایین	وسایل ارتباطی		
		۴۵/۵	متوسط			
		۲۵/۵	بالا			
.۰/۰۴	$r = ۰/۶۱$	۲۵	دیپلم	تحصیلات		
		۲۴	فوق دیپلم			
		۴۶	لیسانس			
		۵	فوق لیسانس			
.۰/۰۰۱	$U = ۱۹/۳۹$	۵۴	مرد	جنس	عوامل اجتماعی و فرهنگی	
		۴۶	زن			
.۰/۰۰۰	$U = ۱۸/۴$	۵۷	غیر فعال	نوع فعالیت		
		۴۳	فعال			
.۰/۰۰۰	$r = -۰/۵۶$	۱۰	دیپلم	تحصیلات		
		۱۳	فوق دیپلم			
		۵۴	لیسانس			
		۲۳	فوق لیسانس			

عوامل اقتصادی

جنس: جهت بررسی این متغیر از آزمون مان ویت‌نی^۱ استفاده شد، نتایج نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان عامل اقتصادی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. به نظر می‌رسد مردان به علت قبول سرپرست خانواده و تأمین معاش زندگی بیشتر از زنان در زمینه عوامل اقتصادی درگیر بوده و این امر را علت گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. شهر محل سکونت: افراد ساکن در شیراز بیشتر از افراد ساکن در ارسنجان عامل اقتصادی را علل گرایش خود بیان کرده‌اند. نوع فعالیت: افراد غیر فعال بیشتر از افراد فعال عامل اقتصادی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند و چنین به نظر می‌رسد چون این افراد معمولاً کار نداشته و یا در جست‌وجوی کار با درآمد مناسب می‌باشند بیشتر از افراد فعال این عامل را انتخاب کرده‌اند. وضعیت تأهل: برای بررسی این متغیر از آزمون کروسکال و الیس^۲ استفاده شد، نتایج نشان می‌دهد که افراد مجرد در مقایسه با افراد متأهل و مطلقه، عامل اقتصادی را بیشتر علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند.

عوامل آموزشی:

جنس: طبق نتایج، زنان بیشتر از مردان عامل آموزشی را به عنوان علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند و این یافته با وضعیت موفقیت زنان به ادامه تحصیل در ایران در سال‌های اخیر منطبق می‌باشد که چه در مرحله متوسطه و چه در مرحله آموزش عالی دارای پیشرفت‌ها و موفقیت‌های چشم‌گیری در مقایسه با مردان بوده‌اند. میزان تحصیلات: جهت بررسی این متغیر از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج نشان داد که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد، میزان انتخاب عامل آموزشی جهت مهاجرت به خارج کمتر می‌شود. شهر محل سکونت: نتایج نشان داد که افراد ساکن در شیراز بیشتر از افراد ساکن در ارسنجان، عامل آموزشی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند.

عوامل سیاسی

وضعیت تأهل: افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل و مطلقه عامل سیاسی را علل گرایش خود بیان کرده‌اند. نوع فعالیت: افراد غیر فعال بیشتر از افراد فعال عامل سیاسی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. شهر محل سکونت: افراد ساکن در شیراز بیشتر از افراد ساکن در

1. Mann-Whitney U

2. kruskal-Walis h

ارسنجان عامل سیاسی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. استفاده از وسایل ارتباطی: طبق نتایج، افرادی که در سطح متوسط از وسایل ارتباطی استفاده می‌کنند بیشتر از گروه‌های دیگر عامل سیاسی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. میزان تحصیلات: افراد با تحصیلات لیسانس بیشتر از گروه‌های تحصیلاتی دیگر عامل سیاسی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند.

نگرش به عوامل اجتماعی - فرهنگی

جنس: نتایج نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان عامل اجتماعی - فرهنگی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. نوع فعالیت: افراد غیر فعال بیشتر از افراد فعال عامل اجتماعی - فرهنگی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند. میزان تحصیلات: افراد با تحصیلات لیسانس بیشتر از گروه‌های تحصیلاتی دیگر عامل اجتماعی - فرهنگی را علل گرایش به مهاجرت خود بیان کرده‌اند.

تحلیل چند متغیره به روش رگرسیون لجستیک

جدول (۴) به بررسی احتمال گرایش به مهاجرت با استفاده از مدل لجستیک پرداخته شده است. در این قسمت گرایش به مهاجرت را به‌عنوان متغیر وابسته به صورت اسمی دو وجهی (فرد گرایش به مهاجرت دارد یا ندارد) وارد تحلیل شده است و نتایج به ترتیب زیر است: مدل اول: عامل سیاسی را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار شده است به عبارت دیگر، عامل سیاسی احتمال وقوع گرایش به مهاجرت را تغییر داده است. مدل دوم: عامل آموزشی را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار شده است یعنی، اوضاع آموزشی احتمال وقوع گرایش به مهاجرت را تغییر داده است. مدل سوم: متغیر شهر محل سکونت (شیراز - ارسنجان) را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار شده است یعنی احتمال گرایش به مهاجرت افراد ساکن در شیراز در مقایسه با افراد ساکن در ارسنجان بیشتر بوده است. مدل چهارم: متغیر وضعیت تأهل (متاهل‌ها) را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار نشده است یعنی احتمال گرایش به مهاجرت در بین افراد متأهل وجود نداشته است. مدل پنجم: عامل اجتماعی - فرهنگی را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار شده است به عبارت دیگر، اوضاع اجتماعی - فرهنگی احتمال وقوع گرایش به مهاجرت را تغییر داده است. مدل ششم: عامل اقتصادی را وارد تحلیل می‌کند که از نظر آماری با متغیر وابسته معنی دار شده است به عبارت دیگر، اوضاع اقتصادی احتمال وقوع

گرایش به مهاجرت را تغییر داده است. به طور کلی، ضریب ناگلکرک^۱ که کارکردی مشابه ضریب تعیین در رگرسیون دارد، نشان می دهد که در مجموع ۲۱ درصد از تغییرات گرایش به مهاجرت توسط ترکیبی از ۶ متغیر عوامل سیاسی، آموزشی، شهر محل سکونت، وضعیت تأهل، عامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی توضیح داده شده است.

جدول (۴) رگرسیون لجستیک احتمال گرایش به مهاجرت

متغیرها	مدل ۱			مدل ۲			مدل ۳			مدل ۴			مدل ۵			مدل ۶		
	Sig	S.E	B	Sig	S.E	B	Sig	S.E	B	Sig	S.E	B	Sig	S.E	B	Sig	S.E	B
عوامل سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۱۹	۱/۲۳	۰/۰۰۰	۰/۲۰	۱/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۱/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۱/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۱/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱	۱/۲۶
عوامل آموزشی	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۱۸۹	۰/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	۰/۷۱
شهر محل سکونت	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۹۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۹۸	۰/۰۰۰	۰/۱۸۹	۰/۸۹	۰/۰۰۰	۰/۱۶۵	۰/۸۷
متأهل ها	۰/۹۹	۱۳۹۷۲	۲۲/۲	۰/۰۰۰	۱۴۰۰۸	۲۱/۹	۰/۹۹	۱۴۰۳۱	۲۱/۸	۰/۰۰۰	۱۴۰۰۸	۲۱/۹	۰/۹۹	۱۴۰۰۸	۲۱/۹	۰/۰۰۰	۱۳۹۷۲	۲۲/۲
عوامل اجتماعی، فرهنگی	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۴۴	۰/۰۰۰	۰/۱۸۵	۰/۵۴											۰/۱۹۱	۰/۴۴
عوامل اقتصادی	۰/۰۵	۰/۱۹۸	۰/۳۹														۰/۱۹۸	۰/۳۹
مقدار ثابت																		
درصد درستی																		
CHI-SQUAR																		
2LOG LIKELIHOD																		
NAGELKERK RSQUAR																		

نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت جوانان ۱۸ - ۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان بوده است. امروزه مهاجرت بر اثر جهانی شدن، به عنوان یک پدیده اجتماعی در جهان درآمده است که همگانی و همه جایی شده و براساس آمار و اطلاعات دقیق روند آن روز به روز در حال افزایش است. مهاجرت در عصر جدید به دلایل مختلف از جمله فرو ریختن مواضع سیاسی در امر جابجایی، توسعه سیستم های ارتباطی، ارزان تر شدن هزینه های حمل و نقل، نابرابری در سطح دستمزدها در کشورهای مختلف و نیاز به

1. Nagelkerk

نیروی کار صورت می‌گیرد. جهانی شدن مهاجرت را در بر گرفته و مهاجرت نیز جهانی شده است.

جهانی شدن سبب افزایش حرکت مردم به صورت درون‌کشوری و برون‌کشوری شده و این خود به خاطر تفاوت سطح اقتصادی و اجتماعی ناشی از اصل پدیده جهانی شدن می‌باشد. جهانی شدن هرچند براساس آزادی مبادله کالا، خدمات، اطلاعات، سرمایه و افراد با صلاحیت کاری بالا شکل گرفته است (Collinson, 1999: 3). نتایج نشان داد که گرایش به مهاجرت در بین جوانان ایران مانند سایر کشورهای جهان رواج یافته است، به طوری که تنها ۹ درصد از افراد نمونه دارای گرایش پایین به مهاجرت بوده‌اند. نتیجه بررسی متغیرهای جمعیت‌شناختی، حاکی از آن است که گرایش به مهاجرت در بین پاسخگویان مرد، مجرد، درآمد پایین، تحصیلات لیسانس، سن ۲۲-۲۵ و افراد ساکن در شیراز بیش از گروه‌های مقابل آن‌هاست و از بین عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت؛ به ترتیب اولویت؛ عامل اجتماعی-فرهنگی شامل: وجود نابرابری‌های اجتماعی، عدم امنیت در جامعه، کمبود امکانات زندگی و... به عنوان مهم‌ترین علل برانگیزنده به مهاجرت از سوی جوانان بیان شده است. شرایط بهتر اجتماعی و فرهنگی و در نظر گرفتن آینده فرزندان از عوامل مهمی هستند که در برانگیختن تمایل به مهاجرت از طرف متقاضیان به مهاجرت مطرح شده است. عامل آموزشی شامل: نیاز به پیشرفت تحصیلی و شغلی، عدم امکانات پژوهشی و آموزشی، پایین بودن کیفیت نظام آموزشی و... دومین عامل مهم در تمایل به مهاجرت بیان شده؛ جوان بودن اکثر متقاضیان و هدف تحصیلی به عنوان مهم‌ترین دلیل مهاجرتی برای اکثریت آن‌ها، حکایت از آن دارد که فرصت‌های تحصیلی موجود در داخل هنوز بازار تقاضای تحصیل را به‌ویژه در سطوح تحصیلات تکمیلی کفایت نمی‌کند و یا این‌که با توجه به میزان نرخ بیکاری در میان افراد تحصیل کرده، جوانان گرایش به تحصیل در خارج را دارند. عامل اقتصادی شامل: تورم، بیکاری، عدم داشتن شغل مناسب، عدم تناسب درآمد با هزینه و... به عنوان عامل دیگر انگیزه‌های تمایل به مهاجرت جوانان بیان شده است. شرایط اقتصادی کشور به‌ویژه در سال‌های گذشته که همراه با تورم بالا و عدم افزایش متناسب حقوق و درآمدها همراه بوده سبب عدم رضایت مردم شده، به همین دلیل ارتقای شرایط اقتصادی سومین دلیل از طرف متقاضیان مهاجرت مطرح شده است. و عامل سیاسی شامل: ناامنی سیاسی، عدم ثبات سیاسی، عدم آزادی سیاسی، نارضایتی از عملکرد نهادهای حکومتی و... عامل دیگری است در برانگیختن گرایش به مهاجرت جوانان. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که در جامعه‌ای مثل ایران، عوامل اجتماعی-فرهنگی و آموزشی مانند عوامل اقتصادی و شاید بیشتر بر تمایلات و انگیزه‌های افراد نفوذ دارند. این

یافته‌ها با پژوهش‌هایی که در پیشینه پژوهش اشاره شده منطبق است. بنابراین به منظور تعدیل مهاجرت جوانان، اتخاذ سیاست‌هایی که فقط به اصلاح شرایط اقتصادی کمک نماید، چندان کارساز نخواهد بود. به این منظور نه تنها لازم است مشکلات و تنگناهای اقتصادی با استفاده از برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه، کاهش یابد و فرصت‌های شغلی مناسب فراهم آید، بلکه شایسته است در مورد آشفته‌گی‌های اجتماعی-فرهنگی و سیاسی که موجب نارضایتی می‌شود و تعلق خاطر به اجتماع ملی را کاهش می‌دهد، اصلاحاتی صورت گیرد. بنابراین، برنامه‌ریزی اصولی برای مهار و کنترل مهاجرت جوانان در چارچوب طرح‌های کلان اصلاح ساختاری قابل اجراست.

منابع

- ابراهیمی، یزدان (۱۳۸۱). «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر تمایل دانشجویان رشته‌های برق و کامپیوتر به مهاجرت» فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۳ و ۲۴.
- آراسته، حمید (۱۳۸۰). بررسی رضایت شغلی و عوامل مهاجرت اعضای هیئت علمی فارغ‌التحصیل خارج از کشور. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۵). جوانان، جهانی شدن و مهاجرت‌های بین‌المللی: پژوهشی در میان نخبگان جوان. [Online] < <http://www.Sid.Ir> > [12 Feb 2006]
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستاییان.
- زنجانی، حبیب‌الله... (۱۳۸۱). مهاجرت. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- سراج‌زاده، سید حسین و فاطمه جواهری (۱۳۸۰). «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به مهاجرت خارج از کشور»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، شماره ۵۰-۵۱، ص ۵۳، تهران.
- شهبازی، مظفرالدین (۱۳۸۶). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش نخبگان علمی به مهاجرت. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
- صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۴). بررسی نگرش اعضای هیئت علمی درباره دلایل مهاجرت نخبگان علمی به خارج از کشور». نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران، شماره پیاپی ۲۸، پاییز ۸۵.
- ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۳). «بررسی گرایش جوانان به اشتغال در خارج از کشور و عوامل مؤثر بر آن (کشورهای خلیج فارس)». فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۷.
- عباسی، رسول (۱۳۸۲). بررسی جامعه‌شناختی گردش نیروی کار ماهر در سطح بین‌المللی با تأکید بر پیمایشی در زمینه فرار مغزها از ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش‌گری علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی.
- علاء‌الدینی، فرشید و همکاران (۱۳۸۰). «میزان تمایل به مهاجرت و علل آن در بین پزشکان ایرانی». مجله پژوهشی حکیم، دوره هشتم، شماره سوم، پاییز ۸۴.

- علی‌آبادی، علی (۱۳۸۰). *بررسی اثرات جهانی شدن بر فرار مغزها در کشورهای جهان سوم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز، چاپ دوم.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). *نظریات مهاجرت*. شیراز: انتشارات نوید.
- محسنی تبریزی، علی‌رضا و ماندانا عدل (۱۳۸۵). «بررسی علل روان‌شناختی اجتماعی مؤثر بر تمایل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران». *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال دوم، شماره ۴. زمستان ۱۳۸۶.
- محمدی الموتی، مسعود (۱۳۸۳). «جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران». *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره ۱۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۸۶ شهرستان‌های شیراز و ارسنجان*. [Online] <<http://www://oldsite.sci.org.ir/farsi/main.asp-12k>>. [15 June 2008].
- مسی، داگلاس (۱۳۶۴). *نظریه‌های مهاجرت‌های بین‌المللی بازننگری و ارزشیابی*. ترجمه پریدخت وحیدی. گزیده مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۴۳.
- میرزایی، محمد (۱۳۷۲). *جزوه درسی جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی*. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- میرفردی، اصغر (۱۳۸۵). *جهت‌گیری ارزشی و سازگاری آن با شاخص‌های توسعه انسانی در ایران: مطالعه موردی ساکنان شهرهای شیراز و یاسوج*. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- نشاط فوجی، حاجی محمد (۱۳۸۱). *تعیین رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان فارس با استفاده از منطق فازی*. پایان‌نامه کارشناس ارشد اقتصاد. دانشگاه شیراز.
- نیازی، صغری (۱۳۸۶). *بررسی رابطه میان ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی دانشجویان دختر با گرایش آن‌ها به مهاجرت به خارج از کشور*. پایان‌نامه کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- واترز، مالکوم (۱۳۷۹). *جهانی شدن*. ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

- Baron, Robert. A. (1997). *Social Psychology*, New York: A Viacom Company.
- Cheng, Lucie; Yang, PhilipQ. (1998). "Global Interaction, Global Inequality, and Migration of the Highly Trained to the United States". *International Migration Review* Vol 32, No. 3, pp. 626-653.
- Collinson, S. (1999). "Globalization and the Dynamics of International Migration: Implication for Refugee Regim, New Issves in Refugee Research". Working Paper, No. 1 (Geneva: UNHCR).
- Hakimzadeh, sh. (2006). "Avast Diaspora Abroad and Million of Refugees at Home." [Online]<<http://www.migration in formation. Org/USF ocus/ display.CFM? ID=404>> [25Jun2005].
- Lahsaiezadeh, A. (2002). *Migration and Urbanization*. Shiraz: Zar Publication.

- Lin, Nan. (1978). *Foundation of Social Research*. New York: Mc Graw Hill.
- Ludlow, T. (2005). "The Dynamics of Development and International Migration." [Online] <http://www.emory.edu/AltTransp/route_b.html> [3 Augu2005].
- Marshall, Gordon. (1994). *Oxford Concise Dictionary of Sociology*, New York: Oxford University Press.
- Moghaddas, A a. (2003). "The Immigrants Social Mobility and Income Attainment: The Case of Iranians in Australia". Shiraz University, July 20, 2003.
- Neuman, W. L. (1999). *Social Research Method*. London: Allyn and Bacon.
- Pavan, A Yehoda, B & Monica Naresh. (2007). "The Brain Drain Problem." *Journal of Development Economic*; Vol 83, Issue 1. May 2007, pp. 76-84.
- International Organization for Migration. (2005). "Labour, Migration in Asia: Trends and Policy Responses in Countries of Origion". Geneva: IOM.
- Shahabadi, A; Karim Koshteh, M.H & Mahmodi, A. (2006). "Investigating the Factors of Brain Drain (A Case Study of Iran)". *Iranian Journal of Trade Studies (IJTS)*; Vol. 10 (39), pp. 39-82.
- Shahidalhag, M. (2006). "Managing Migration". *International Organization for Migration*, May 2006.
- Shirazi, R; Mossayeb, S. (2006) "Education and Emigration: the Case of the Iranian-American Community." [Online]<http://www.Dpenj-gate.Org/Article_list.Source=18.Journal-ID=95367-29k> [24 April 2007].
- Smith, T. (1995). *How Well does Economic Theory Explain Iinternational Migration?* Conference of Immigration, New York.
- Stanton Russell, SH. (2000). *International Migration: implications for the world bank* NewYork: WB.
- UN(United Nations). (2002). Recommendations of the High-Level Panel of the Youth Employment Network. General Assembly Resolution.A/56/422.CB.
- UN(United Nations), Report. (1998). *Recommendations on Statitics of International Migration*, Statistical Papers, No, 58. New York: UN.
- Weeks, John R. (1999). *Population, An Introduction to Concepts and Issues*, Santiago: Wadsworth Publishing Company.

علی اصغر مقدس، استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز است (نویسنده مسئول).
alimogadas@yahoo.com

زکیه شرفی، کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه شیراز و مدرس دانشگاه پیام نور است.
zakiehsharafi@gmail.com

جدول پیوست شماره ۱. توصیف متغیرهای پژوهش به تفکیک شهر محل سکونت

جمع درصد	جمع	تعداد افراد نمونه		متغیرهای پژوهش	
		شیراز	ارسنجان		
۵۴	۴۱۷	۲۱۷	۲۰۰	مرد	جنس
۴۶	۳۵۳	۱۵۳	۲۰۰	زن	
۶۸	۵۲۴	۲۵۲	۲۷۲	مجرد	وضعیت تأهل
۳۱	۲۳۸	۱۱۵	۱۲۳	متاهل	
۱	۸	۳	۵	مطلقه	
۶۲/۵	۲۸۹	۱۴۳	۱۴۶	فعال	نوع فعالیت
۳۷/۵	۴۸۱	۲۲۷	۲۵۴	غیرفعال	
۷۲	۵۵۲	۲۷۵	۲۷۷	پایین	میزان درآمد
۲۱	۱۵۸	۶۹	۸۹	متوسط	
۷	۵۴	۲۵	۲۹	بالا	
۳۰	۴۳۲	۱۹۲	۲۴۰	پایین	میزان استفاده از وسایل ارتباطی
۵۶	۲۲۸	۱۲۰	۱۰۸	متوسط	
۱۴	۱۱۰	۵۸	۵۲	بالا	
۳۰	۷۵	۴۳	۳۲	دیپلم	میزان تحصیلات
۲۴	۴۵۷	۲۱۴	۲۴۳	فوق دیپلم	
۴۱	۲۳۸	۱۱۳	۱۲۵	لیسانس	
۵	۲۲۸	۸۷	۱۴۱	فوق لیسانس	
۹	۱۸۶	۱۰۱	۸۵	پایین	میزان گرایش به مهاجرت
۶۰	۳۱۱	۱۵۵	۱۵۶	متوسط	
۳۱	۴۱	۲۵	۱۶	بالا	